اعتماد

دوشنبه ۶ بهمن ۱۳۹۳
۵ ربیع‌الثانی ۱۴۳۶
۲۶ ژانویه ۲۰۱۵
سال دوازدهم
شماره ۳۱۶۵
۲۰ صفحه
۱۰۰۰ تومان
ETEMAD
Mon
26Jan 2015
vol.12
No.3165

در پی برخورد پلیس مصر با راهپیمایان سالگرد انقلاب ژانویه

سنگفرش‌های قاهره سرخ شد

۶

واکنش محمدشریعتمداری به شایعه تعطیلی سازمان فضایی

خودگویی و خودخندی

۲

گفت‌وگو با سید حسین موسوی تبریزی

می‌خواهند روحانی را از مردم جدا کنند

۱۵

شرایط فروش سربازی غایبان

■ ۳۰ سال به بالا باید ۳۰ میلیون تومان بپردازند ■ تخفیف برای روستاییان و افراد تحت پوشش نهادهای حمایتی

۱۷

احمدی‌نژاد، پشت رحیمی را خالی کرد

نظرخواهی «اعتماد» درباره خاستگاه سیاسی معاون اول دولت قبل

عکس: مرضیه موسوی/ ایرنا

۲

معافیت مالیاتی درآمد یک میلیون و ۱۵۰ هزار تومانی

۴

در میزگردی با کارشناسان حوزه آب مطرح شد

نترسید در ایران جنگ آب نمی‌شود

۱۱ ۱۰

تشکیل هیات ۹ نفره نظارت بر انتخابات شورایاری‌ها

۱۷

تیم‌ملی به ایران باز می‌گردد

شکست دیپلماسی فوتبال

گروه ورزش | ثانیه به ثانیه اخبار رصد می‌شد. ایرانی‌ها یک لحظه هم از اخبار غافل نبودند. برخلاف صداوسیما که گویی اصلا برایش مهم هم نبود، فضای مجازی در تسخیر اخبار استرالیا بود. حتی توییت‌های خبرنگاران خارجی در استرالیا هم دست‌به دست می‌شد؛ اوضاعی عجیب و خاطره‌انگیز. همه «امیدوار» بودند. اعتراض ایران درباره این موضوع در جلسه مسوولان کنفدراسیون فوتبال آسیا مورد بررسی قرار گرفت؛ جلسه‌ای که چندین بار تمدید شد و ساعت‌ها ادامه داشت، اما نتیجه‌ای که حاصل شد چیزی غیر از آنچه بود که در گذشته اتفاق افتاده بود. رای صادر شده کاملا برخلاف آرای گذشته بود و این موضوع، دوگانگی AFC را نشان می‌داد. براساس اعلام مسوولان فدراسیون فوتبال تمام مستندات به سود ایران بود، اما از همان اواسط جلسه مشخص شد که این رسیدگی تنها جنبه «show» دارد و تغییری در دیدار ایران و عراق اتفاق نخواهد افتاد چون مسوولان AFC در همان حین برگزاری جلسه کنفرانس مطبوعاتی پیش از بازی عراق و کره‌جنوبی را برگزار کرده و نحوه بلیت فروشی و جایگاه تماشاگران را هم مشخص کردند. حالا همه حسرت کرسی‌های از دست رفته فوتبال ایران را می‌خورند. فوتبال ایران سال‌هاست هیچ کرسی مهمی در کنفدراسیون فوتبال آسیا ندارد؛ موضوع مهمی که در چند سال گذشته بارها گفته شده و شاید اگر نماینده‌ای از ایران در AFC حضور داشت، امروز شاهد رایی غیر از این بودیم.

ادامه در صفحه ۱۹

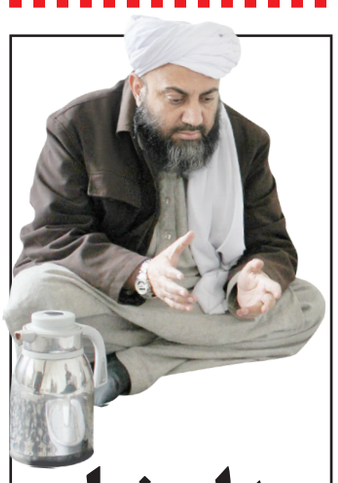

پیدا و پنهان طالبان

گفت‌وگوی اختصاصی با مولوی متوکل وزیر خارجه وقت طالبان

□ سارا معصومی/ **افغانستان همچنان در حال پوست‌اندازی است؛ افغانستانی که امریکا و متحدان اروپایی‌اش در سال ۲۰۰۱ میلادی پس از حمله تروریستی القاعده به خاک امریکا به آن آمدند تا آن را به جبهه مبارزه با تروریسم تبدیل کنند، فراز و نشیب‌های بسیاری را چه از منظر سیاسی و چه امنیتی پشت سر گذاشته است. برگزاری انتخابات در این کشور با تمام حاشیه‌های آن به یک تحول سیاسی بدل شده و با وجود آنکه حملات تروریستی همچنان در بسیاری از مناطق قربانی می‌گیرد اما ظاهر امر حاکی از آن است که دولتی در راس زمام امور را در اختیار دارد. در این فضا هنوز نام طالبان در تمام محافل سیاسی و حتی گپ و گفت‌های کوچه بازاری به گوش می‌رسد. طالبان از بدنه سیاسی قدرت حذف اما در صحنه امنیتی افغانستان باقی مانده است. بیش از یک دهه از فروپاشی حاکمیت طالبان می‌گذرد اما هم ائتلاف غرب تحت رهبری امریکا در افغانستان و هم دولت مرکزی این حقیقت را پذیرفته است که برای تامین امنیت باید با طالبان وارد مذاکره شد؛ مذاکره‌ای که به گفته مولوی وکیل احمد متوکل، وزیر امور خارجه دولت طالبان باید به شکل غیرمستقیم و با دخالت یک میانجی صورت گیرد. متوکل در هیات رهبری طالبان و از یک فامیل روحانی با نفوذ در قندهار است. وی در روزهای حکومت طالبان تنظیم‌کننده اداره، مشاور سیاسی و سخنگوی ملا عمر، رهبر این جریان شمرده می‌شد. مولوی متوکل رهبری هیات طالبان را در مذاکرات با مخالفان در سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۹ برعهده داشت و در اکتبر ۱۹۹۹ به عنوان وزیر خارجه طالبان منصوب شد. وی در سال ۲۰۰۱ پس از شکست طالبان، مانند اکثر رهبران طالبان فراری شد ولی در اوایل سال ۲۰۰۲ خود را به مقامات دولتی در قندهار تسلیم کرد که از طرف آنها به امریکاییان تسلیم داده شد. نام وی در سال ۲۰۱۰ میلادی از فهرست سیاه سازمان ملل متحد حذف شد. حرکتی که عملا وی را به یکی از معدود افراد نزدیک به طالبان که امریکا و اروپا می‌توانند برای برقراری رابطه با این جریان با او در تماس باشند تبدیل کرد. وی در گفت‌وگوی تفصیلی با «اعتماد» که در منزل شخصی‌اش در کابل صورت گرفت هم از اشتباهات طالبان در حکمرانی در آن سال‌ها گفت و هم به ریشه‌های دلایل مبارزه این گروه به سبک و سیاق امروز اشاره کرد. متن این گفت‌وگو را در صفحه ۱۶ بخوانید.**

حرف روز

ریشه فساد کجاست؟

چه وقت مبارزه با فساد موفق و تاثیرگذار خواهد بود؟ یکی از پاسخ‌ها این است که وقتی که کسی احساس نکند اگر مرتکب فساد مالی شود از سوی دیگران حمایت می‌شود و حریم امنی برای او ایجاد می‌شود. در واقع مبارزه با فساد پیش از رخ دادن آن باید باشد و نه فقط پس از رخ دادنش. ولی افراد چه موقع احساس می‌کنند که در حریم امن قرار دارند؟ وقتی که فکر می‌کنند اگر متهم به فساد شوند، دوستان‌شان هم ضربه می‌بینند ولذا این دوستان برای جلوگیری از وارد شدن ضربه به خودشان ترجیح می‌دهند که فساد رفیق‌شان رو نشود و این آغاز انحراف است.

در خصوص پرونده مالی آقای محمدرضا رحیمی همه می‌دانند که تا روز آخر مورد حمایت صددرصد رییس دولت یعنی آقای احمدی‌نژاد بود. جالب اینکه احمدی‌نژاد جای قاضی نشست و گفت یقین دارد که او یک ریال هم تخلف نکرده و صریحا گفت که اگر ثابت شود که رحیمی فقط یک ریال اختلاس کرده من به تلویزیون می‌آیم و ضمن عذرخواهی، اعلام می‌کنم که شایستگی این سمت را ندارم. در واقع آقای احمدی‌نژاد به جای آنکه بگوید به اتهام زده شده علیه رحیمی باید رسیدگی شود، خودش جای قاضی می‌نشیند و بدون رسیدگی قضایی حکم صادر می‌کند و این بهترین فرصت برای متهم است که گمان می‌کند در حصار امنی قرار دارد و دور او خط قرمزی کشیده‌اند و دست قانون به او نمی‌رسد و فارغ از نظارت است. هنگامی که انسانی به این طرز فکر رسید، با غلبه بر وجدان خود به راحتی تخلف می‌کند. این رفتار نه فقط از طرف دولت پیش دیده می‌شد بلکه بخش قابل توجهی از اصولگرایان نیز از ترس اینکه خودشان متهم شوند ماله دست گرفتند و روی اشتباهات و خطاهای دولت مورد حمایت‌شان کشیدند. ولی نکته بسیار مهم این است که حالا درصددند تا بگویند که ما خودمان در نوک پیکان مبارزه با فساد در دولت گذشته بوده‌ایم. البته در این تردیدی نیست که برخی اصولگرایان در دوره دولت گذشته نسبت به این فسادها حساس بودند ولی آنان همیشه در اقلیت قرار داشتند. حتی در مقاطعی منزوی هم شدند و تا حد زیادی از سکوت و حمایت دوستان‌شان از فسادهای دولت گذشته سرخورده و مایوس شدند. ولی این دلیل نمی‌شود که اکثریت این جناح خود را در خط مقدم مبارزه با فساد موجود در آن دولت معرفی کند. آنان به معنای دقیق از منظر سیاسی شریک جرم فسادهای رخ داده هستند. ولی امروز با بی‌پروایی هرچه تمام‌تر می‌کوشند خود را از آن وضع مبرا کنند و جالب‌تر اینکه معتقدند حتی احمدی‌نژاد هم اصولگرا نبوده!

نکته دیگری که رسانه‌ها و فعالان اصولگرا که حداقل ۶ تا ۷ سال حامی احمدی‌نژاد و گروه او بوده‌اند می‌گویند این است که اصلاح‌طلبان در خط مبارزه با فساد دولت قبلی نبودند. در پاسخ به این ادعا باید گفت مگر آنها می‌توانستند کوچک‌تر از گل به دولت مورد حمایت اصولگراها بگویند؟ اگر کوچک‌ترین ادعایی را علیه آن دولت مطرح می‌کردند بساط روزنامه‌شان برچیده می‌شد و گوینده نیز بازخواست می‌شد. بنابراین روشن است که فقط بخش کوچکی از اصولگرایان که به هر دلیلی مخالف دولت پیش بودند توانستند از فضای به نسبت امنی برای طرح مسائل آن دوره استفاده کنند. اگر در دولت گذشته آزادی رسانه وجود داشت؛ به حدی که اصلاح‌طلبان هم می‌توانستند دست عناصر فاسد را رو کنند؛ اصولا قضایا به اینجا ختم نمی‌شد. یکی از مهم‌ترین دلایل رشد فساد در زمان احمدی‌نژاد همین بسته بودن فضای رسانه‌ای بود که شامل اصلاح‌طلبان می‌شد. به همین دلیل هم حداکثر کاری که می‌توانستند انجام دهند حمایت از بخش اندکی از اصولگرایانی بود که مفاسد اقتصادی را افشا می‌کردند. تازه در این حمایت هم احتیاط می‌کردند تا مبادا با مشکل حادی مواجه شوند. این نحوه برخورد جانبدارانه از دولت که از جانب جناح تندرو و غالب اصولگرایان در رابطه با فساد در دولت گذشته دیده می‌شد، از عوامل اصلی شکل‌گیری فساد بوده است. اینکه بگویند آقای رحیمی در زمان آقای هاشمی استاندار بوده رفع مسوولیت از آنان نمی‌کند. وی در آن زمان حداکثر استاندار بوده و کسانی که او را نصب کردند خودشان باید توضیح دهند، ولی استاندار کجا و معاونت اول ریاست‌جمهوری کجا؟ و از همه مهم‌تر اینکه مساله فردی نیست. مساله مهم این است که او نفر دوم دولت مورد حمایت اصولگرایان بوده و دستگاه قضایی و مجلس نیز می‌توانسته بر کار او نظارت داشته باشد. اگر جزیی از کوششی را که صرف کارهای حاشیه‌ای و جزیی کردند برای نظارت بر رفتارهای نادرست آن دولت صرف می‌کردند، به یقین شاهد این تبعات منفی نبودیم.

نگاه دیپلماسی

سوال تاریخ از جمهوریخواهان

مهدی محتشمی*

جمهوریخواهان پس از انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره امریکا و پیروزی‌شان، هم در مجلس نمایندگان و هم در مجلس سنا، علاقه‌مند هستند تا در دو سال باقی‌مانده دولت باراک اوباما با تلاش‌های‌شان مانع از پیشرفت رییس‌جمهور دموکرات‌شان هم در سیاست داخلی و هم در سیاست خارجی شوند. این یک واقعیت روشن است. از سوی دیگر، دولت اوباما در کلیه عرصه‌های سیاست خارجی موفقیت چشمگیری نداشته است و تنها عرصه‌ای که می‌تواند به عنوان یک نقطه درخشان در کارنامه کاری این دولت مورد بهره‌برداری و استفاده قرار گیرد و در آن عرض اندام کند، پرونده هسته‌ای ایران است. به همین دلیل، جمهوریخواهان درصدد این هستند چنانچه اگر دولت اوباما قادر باشد تا موضوع مذاکرات هسته‌ای را به سمت یک توافق جامع نهایی رهنمون سازد، این مسیر را منحرف سازند. موفقیت در مذاکرات هسته‌ای برای اوباما می‌تواند یادآور موفقیت نیکسون، رییس‌جمهور اسبق امریکا در سال ۱۹۷۰ میلادی با چینی‌ها در قبال روابط امریکا باشد و از این جهت، دولت دموکرات اوباما می‌تواند از این موفقیت به عنوان یک برگ برنده استفاده کرده و در حقیقت یک دستاورد و موفقیت سیاسی برای باراک اوباما محسوب شود. از این جهت، اعتقاد دارم که جمهوریخواهان از هر فرصت و از هر ابزاری استفاده خواهند کرد تا نگذارند سیاست‌های دولت اوباما در این باره موفق شود. همچنین باید یادآور بشوم که به نظر می‌رسد در کمپ جمهوریخواهان نیز یک سردرگمی فاحشی درباره افزایش تحریم‌ها به وجود آمده است و آن، این است که می‌دانند اقدام‌شان در اعمال افزایش تحریم‌های جدید علیه ایران به منافع و مصالح بلندمدت امریکا ضرر می‌زند و به همین دلیل نمی‌دانند که چه کنند؟ از یک‌سو به دنبال زمینگیر کردن دولت اوباما هستند و از طرف دیگر، واهمه عواقب رفتارشان را دارند. آنها در صورت دست زدن به رفتاری که منجر به از میان رفتن طرح اقدام مشترک شود، در آینده باید پاسخگوی رفتارشان باشند. آنها باید پاسخ دهند که چرا منازعه‌ای که می‌توانست از طریق مذاکره و رایزنی و در قالب یک توافقنامه و تفاهم بین‌المللی در بستر ۱+۵ حل شود، دست به اقدامی زدند که صلح جهانی و ثبات منطقه‌ای را با این تصمیمات به خطر انداخت و مانع از پیروزی مذاکرات شد؟ این مساله موجب شده تا در درون جمهوریخواهان نیز تعارض و تناقض و سوال جدی به وجود بیاید و این مساله شاید موجب تردیدی شود که مانع از اقدام عملی‌شان شود. همچنین باراک اوباما تهدید جدی کرده است که اگر جمهوریخواهان بخواهند لایحه جدیدی برای افزایش تحریم‌های جدید علیه ایران بدهند، آن لایحه را وتو خواهد کرد. سناریوی دیگر هم امضا نکردن لایحه سنا از سوی اوباماست. بر اساس قانون اساسی امریکا، رییس‌جمهور این کشور می‌تواند و اختیار دارد قوانین را امضا نکند، یعنی اوباما می‌تواند حتی لایحه کنگره را وتو کند. در این سناریو، قانون معلق باقی خواهد ماند و لازم‌الاجرا نیست. البته نگرانی دیگر نیز وجود دارد و آن، این است که تعدادی از نمایندگان دموکرات به این لایحه بپیوندند که نشان دهنده اختلافات و شکاف‌ها در این حزب است. کسانی مانند سناتور باب منندز که تا قبل از اینکه اکثریت کنگره را در اختیار قرار گیرند، ریاست کمیته سیاست خارجی سنا را برعهده داشت از موافقان افزایش تحریم‌هاست. لذا اگر ۶۷ نفر از سناتورهای امریکایی به این لایحه رای بدهند این لایحه از سنا عبور می‌کند و باید در مجلس نمایندگان نیز تصویب شود که در این باره دست آقای اوباما کوتاه می‌شود. پس اینکه برخی‌ها تصور کنند این یک بازی است و یک تقسیم وظایف برای امتیازگیری از ایران در مذاکرات است، اشتباه است. جمهوریخواهان می‌دانند که اگر آنها به کنگره آمدند به این دلیل نبوده است که با مذاکرات و پیش بردن دیپلماسی مخالفت کنند. آنها می‌دانند که مردم از جنگ خسته شده‌اند. آنها دیگر تمایل به ادامه جنگ دیگر در خاورمیانه ندارند و خواستار این هستند که پرونده هسته‌ای ایران به شکل مسالمت‌آمیز حل شود و پس از سخنرانی ۲۰ ژانویه باراک اوباما در کنگره شاهد بودیم که وی حدود ۵۰ درصد از محبوبیت را داراست و حداقل در این باره کارت سبزی به جمهوریخواهان داده نشده است.

***مدیر کل اسبق امریکای وزارت امور خارجه**

امسال با ماکسیم
پوشاک نسل امروز... و فردا
به استقبال نوروز می‌رویم
maxim COLLECTION

شماره‌های جدید تماس با روزنامه اعتماد
۶۶۱۲۴۰۲۴ ۶۶۱۲۴۰۲۵
نمابر ۶۶۱۲۴۰۲۱

با اعتماد سفر کنید
تورهای نوروز ۹۴
صفحه ۱۹
رزآبی ۸۸ ۴۷ ۱۰ ۲۰

کالای شما را ما معرفی می‌کنیم
سازمان آگهی‌های روزنامه اعتماد
تلفن: ۶۶۱۲۴۰۲۵

هاکوپیان
با اولین خرید به جمع مشترکین هاکوپیان بپیوندید و از ۲۰ الی ۲۵ درصد تسهیلات خرید ویژه مشترکین بهره‌مند شوید، جهت اطلاع از میزان تسهیلات به سایت ذیل مراجعه فرمایید.
HACOUPIAN.NET